

تبیین جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساختاربندی گیدنز

وجیهه جلائیان بخشنده^۱، دکتر وحید قاسمی^۲ و دکتر محمدتقی ایمان^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲

چکیده:

زندگی در اجتماع امروزی با وجود اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت، مستلزم احترام، رعایت حقوق دیگران، همزیستی مسالمت‌آمیز و مدارا است. این مقاله با استفاده از نظریه‌ی ساختاربندی گیدنز به دنبال بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی می‌باشد. گیدنز در نظریه‌ی ساختاربندی معتقد است به همان اندازه که عامل برای انجام امور خود نیازمند ساخت است، ساخت نیز برای ایجاد و بقای خود نیازمند عامل است. جهت بررسی این رابطه، داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و با انتخاب نمونه‌ی ۶۰۰ نفری از جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله‌ی شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی بدست آمد. یافته‌های تحقیق نشان داد متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن به ترتیب ۶۴ و ۴۶ درصد از واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر مدارای اجتماعی را دارد.

مفاهیم کلیدی: اعتماد اجتماعی، مدارای اجتماعی، نظریه‌ی ساختاربندی، گیدنز

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان v.jalaeyan.1982@gmail.com

^۲ استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان (نویسنده‌ی مسئول) v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

^۳ استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز iman@shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی در جامعه، نیاز به ارتباط با انسان‌های دیگر دارد. رابطه‌ای که در دنیای معاصر، بین انسان‌هایی مطرح است که از جهات گوناگونی با هم تفاوت دارند (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۴۷). همکاری و پیوند با سایر انسان‌ها مستلزم سازوکاری است که به مدد آن هر فردی ارتباطی سازنده با دیگران داشته باشد و مدارا^۱ یکی از راه‌ها یا به عبارتی بهترین راه برای زندگی بهتر است (جهاننگلو، ۱۳۸۴: ۳۶۶؛ ویلیامز، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۳: ۴۸-۵۱)، چرا که حضور آن در فرایند تعاملات، به بقا و تقویت همبستگی کمک می‌کند (مک‌کین و کاستیگون، ۲۰۰۳: ۵۹).

آنچه که مدارا را متمایز می‌سازد قدرت برقراری و حفظ همزیستی صلح‌آمیز و غلبه بر تفاوت‌ها و تعصبات و دشمنی بین مردم است (ون دورن، ۲۰۱۴: ۹۱۸) که برابری، احترام و پذیرش، همزیستی عقاید، ارزش‌ها و تفکرات را امکان‌پذیر می‌سازد (ویتنبرگ و برتراس، ۲۰۱۲: ۲۹۰ و داسش، ۲۰۰۲). مدارا پذیرش افرادی است که متفاوت از ما می‌باشند، بر جنبه‌ی مثبت رفتارها و انتظارات اجتماعی تأکید می‌کند و ماهیتاً به نفع اجتماع است (اوبردیک، ۲۰۰۱؛ رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱). ماهیت مدارا این است که مردم حق دارند بر اساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعث از آن، مورد قبول ما نباشد. لازمه‌ی مداراجو بودن پذیرش تفاوت‌های افراد در نگرش، گفتار، رفتار و ارزش‌ها است.

فهم عوامل مؤثر بر مدارا بسیار اهمیت دارد. مدارا و اعتماد اغلب به‌عنوان دو ویژگی مهم جامعه‌ی مدنی در کنار هم ذکر می‌شوند (ویدمالم، ۲۰۰۵: ۲۳۳). اعتماد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، از عوامل مهم در ارتقای مدارا نسبت به دیگران است (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۶). اعتماد هسته‌ی اصلی روابط اجتماعی و از عوامل مؤثر در رشد و گسترش آن است، موجب تسهیل تعاملات کنشگران می‌شود و زمینه‌ی بروز رفتار مداراجویانه را فراهم می‌کند. مدارای اجتماعی در بستر اعتماد و تعاملات اجتماعی موجودیت پیدا کرده و توسعه و تقویت می‌شود. از نظر گیدنز ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۰) و به افراد اجازه می‌دهد تا با یکدیگر به همکاری بپردازند. هر چقدر سطح روابط اجتماعی و به تبع آن اعتماد کمتر باشد، مدارای اجتماعی کمتر می‌شود (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۵: ۱۰). در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون

^۱ toleration/tolerance

زور و کنترل رسمی ضرورت خود را از دست داده و افراد بر پایه‌ی اعتماد متقابل با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۲).

از آنجا که توسعه‌ی ارتباطات فواصل زمانی و مکانی را در نوردیده و امکان برقراری روابط متقابل را به افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف داده‌است، لزوم اعتماد افراد به یکدیگر بیش از پیش احساس می‌شود (امیرکافی، ۱۳۷۵: ۲). جامعه‌ی جدید الزامات و شرایط جدیدی را می‌طلبد. اگر در گذشته آشنایی و روابط چهره به چهره اعضای یک محله یا منطقه باعث شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی میان مردم می‌گشت، امروزه برای شکل دادن روابط با توجه به گستردگی و فراوانی دامنه‌ی فعالیت‌ها، نیاز به شرایط و ویژگی‌های دیگری است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات برای ایجاد این روابط داشتن اعتماد است (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱).

افراد بین کنش‌های مختلف و گروه‌های مختلفی که با آنها در ارتباطند تمایز قائل می‌شوند و مدارای متفاوتی را نسبت به آنها از خود نشان می‌دهند و این اهمیت اعتماد در روابط را نشان می‌دهد (ورکویتن و همکاران، ۲۰۰۷). چنانچه رابینسون اشاره می‌کند انسان‌ها در مورد اینکه با چه کسی، در مورد چه موضوعی و تحت چه شرایطی مدارا داشته باشند بصورت انتخابی عمل می‌کنند (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۵).

خصلت مرکزی اعتماد، رابطه‌ای بودن آن است. تمام گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاصی از اعتمادند که بر گستردگی دایره‌ی همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه دلالت دارد (غفاری و نوابی، ۱۳۸۸: ۲۰۹). نکته‌ی مهم در ساختن و پرداختن اعتماد در روابط ناب این است که هر کس باید شخصیت دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به طور منظم برخی پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار او استنباط کند. همچنین اعتماد باید بر اساس نوعی تعهد متقابل ولی خود خواسته توسعه یابد تا رابطه‌ی ژرف‌تری را به ارمغان بیاورد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۳-۱۴۰).

یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۳)، ما را نسبت به بحران اعتماد اجتماعی در ایران هوشیار می‌سازد که مربوط به همه‌ی گروه‌های اجتماعی و سیاسی است. این بحران، سطح خاصی ندارد، فقط مخصوص جامعه یا حکومت نمی‌شود و در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی وجود دارد. کاهش اعتماد اجتماعی را در طول سه دهه به صورت تشدید یافته‌ای می‌توان مشاهده کرد که این امر می‌تواند منجر به تضعیف همسازی در میان مردم شده و همکاری و مدارای اجتماعی را کاهش دهد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی بر مبنای نظریه‌ی ساختاربندی^۱ گیدنز است. در تحقیقاتی که تا کنون صورت گرفته، سنجش مدارا عمدتاً یا مبتنی بر نظریه‌ی کینگ (۱۹۷۴) سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳)، علیزاده (۱۳۸۷)، ترکارانی (۱۳۸۹)، ادیبی و همکاران (۱۳۹۱)، حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) و یا مبتنی بر نظریه‌ی وگت (۱۹۹۷) بوده است. شارع‌پور و عسگری (۱۳۸۸)، شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، مقتدایی (۱۳۸۹)، گلابی و همکاران (۱۳۹۱)، بهشتی و رستگار (۱۳۹۲)، گلابی و رضایی (۱۳۹۲)، شریفی (۱۳۹۲)، نیز در کار خود ترکیبی از نظریه‌ی کینگ و وگت را برای سنجش مدارای اجتماعی بکار برده است.

به نظر می‌رسد برای تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی در ایران، نظریاتی که هر دو سطح خرد و کلان را در تحلیل‌ها مد نظر قرار دهند، به کار برده نشده است. در صورتی که تعامل این دو سطح می‌تواند درک ما از مدارا، شرایط بروز و عوامل مؤثر بر آن را افزایش دهد. تحقیقات مرتبط با مدارا در خارج از کشور نیز عمدتاً به دنبال شناسایی عوامل مرتبط با مدارا از قبیل تمایلات شخصی یا انتظارات فردی در سطح خرد هستند (سولیوان و ترنسو، ۱۹۹۹). اگر چه مطالعات تطبیقی بین‌المللی نشان می‌دهد که عوامل ساختاری در سطح کلان نیز بر مدارای افراد اثرگذار است (واندرنول و ورکویتن، ۲۰۱۰؛ پفلی و روشنایدر، ۲۰۰۳) و مطالعاتی که در بررسی و تبیین مدارا هر دو سطح خرد و کلان را در نظر بگیرند بسیار نادر هستند (ون دورن، ۲۰۱۴: ۹۱۹)؛ بنابراین پژوهش حاضر از یک سو به دنبال رفع کاستی موجود در این زمینه و از سوی دیگر به دنبال پاسخ به سؤالات زیر بر مبنای نظریه ساختاربندی گیدنز است.

- ۱- سطح اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان چقدر است؟
- ۲- سطح مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان چقدر است؟
- ۳- اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (بنیادین، بین شخصی و نهادی) تا چه حد توان تبیین مدارای اجتماعی و ابعاد آن را دارد؟

^۱ structuration

پیشینه پژوهش

مدارا و عوامل مؤثر بر آن از جمله موضوعاتی است که در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های مختلفی در ایران مورد توجه قرار گرفته است. اما مقالات اندکی به طور مستقیم به تبیین رابطه‌ی اعتماد و مدارای اجتماعی پرداخته‌اند. همچنین در تحقیقات خارجی بیشتر به موضوع تبیین مدارای سیاسی و اعتماد پرداخته شده‌است. در ادامه چکیده‌ای از تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با اعتماد و مدارای اجتماعی را ملاحظه خواهیم کرد.

الف) تحقیقات داخلی

شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری داشته است. همچنین رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری بین مشارکت در شبکه‌های غیر رسمی سیاسی و شبکه‌های رسمی با ابعاد مدارا مشاهده شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که از میان متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای، چهار متغیر اعتماد نهادی، سن، شبکه‌های غیر رسمی و سرمایه‌ی اجتماعی انحصاری و ارتباطی، مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مدارا می‌باشند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۸-۶۴).

مقتدایی (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدارای اجتماعی پرداخته‌است. نتایج تحقیق نشان داد که عواملی چون آنومی و جزم‌اندیشی رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری با مدارای اجتماعی دارد. همچنین ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی و تحصیلات رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با مدارا دارد. متغیرهای جمعیت‌شناختی همچون جنسیت، وضعیت تأهل، قومیت، محل تولد به طور مستقیم بر میزان مدارای شهروندان تأثیر می‌گذارد. لازم به ذکر است که متغیر فشار مالی به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه‌ی آنومی با مدارا رابطه دارد (مقتدایی، ۱۳۸۹).

آقابخشی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی^۱ در سطح شهر سراب پرداخته‌اند. عوامل اجتماعی در این تحقیق شامل

^۱ social tolerance

سطح ناهمگونی اجتماعی، سطح سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی، شبکه‌ی روابط شخصی، میزان تنوع یا ناهمگونی عضویت)، سطح گسترش رسانه‌های جمعی، سطح جزم‌گرایی و سطح فردگرایی است. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با تحمل اجتماعی مثبت و معنی‌دار است (آقابخشی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷-۳۴).

شریفی (۱۳۹۲)، در تحقیقی به سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق، نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معنادار بین احساس امنیت، اعتماد اجتماعی و شبکه‌ی روابط درون‌گروهی و عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین شبکه‌ی روابط برون‌گروهی و مدارای اجتماعی است. از بین تمام متغیرهای وارد شده در تحلیل رگرسیون به ترتیب اعتماد نهادی، احساس امنیت، اعتماد بین شخصی، تحصیلات، شاغل بودن و متأهل بودن بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته داشتند (شریفی، ۱۳۹۲).

ب) تحقیقات خارجی

ولش و همکارانش (۲۰۰۱)، در تحقیقی مروری به بررسی تحقیقات مرتبط به عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای اعتماد اجتماعی در چند سطح و در رشته‌های علوم سیاسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی پرداخته‌اند. یافته‌ها در سطح فردی و در حوزه‌ی جامعه‌شناسی نشانگر این است که اعتماد منجر به همکاری، انسجام و نوع‌دوستی می‌شود. اعتماد مردم را به یکدیگر نزدیک نموده و نقطه‌ی شروعی برای روابط معنی‌دار است. بنابراین غیاب اعتماد اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش ارتباط متقابل و جدایی و انزوای افراد از یکدیگر شود. در صورتی که با تقویت اعتماد اجتماعی، زمینه برای درک متقابل مبتنی بر تفاوت‌ها و مدارای اجتماعی فراهم می‌گردد.

ویدمالم (۲۰۰۵)، در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی اعتماد و مدارا در دو ایالت کاملاً متفاوت در هند پرداخته است. اعتماد در چند سطح شامل اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به اجتماعات مذهبی، اعتماد به کاست، اعتماد درون‌گروهی و برون‌گروهی و اعتماد به هندوها، مسلمانان و مسیحیان مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که اعتماد، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد درون‌گروهی و اعتماد برون‌گروهی با مدارا رابطه‌ی مثبت دارند.

لی (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی سطوح و عوامل تعیین‌کننده‌ی مدارای اجتماعی و سیاسی در هنگ کنگ پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که درجه‌ی مدارا در میان مردم بسیار متفاوت است و گروه‌هایی که به لحاظ اجتماعی از سطح مدارای بالایی برخوردارند، لزوماً به لحاظ سیاسی مدارا ندارند. بسیاری از مردم، فاصله‌ی توأم با احترامی را با گروه‌های اقلیت حفظ می‌کنند. این مقاله همچنین به بررسی شاخص‌های جمعیت‌شناختی و نگرشی مدارا پرداخته است و نشان می‌دهد که مدارا در میان گروه‌های جوان‌تر، بیشتر و در میان تازه مهاجران نیز کمتر است. در این تحقیق مدارا با اعتماد اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری دارد.

ون دورن (۲۰۱۴)، در تحقیقی به بررسی ماهیت مدارا و شرایط اجتماعی که منجر به بروز مدارا می‌شود، پرداخته است. وی در این تحقیق، ماهیت تناقض‌آمیز مدارا را با مرور ادبیات تحقیقات علمی و یافته‌های تجربی مرتبط به مدارا مورد بررسی قرار می‌دهد. وی بیان می‌کند که بررسی روابط بین گروه‌ها، فهم ما از مدارا و شرایط بروز آن را افزایش می‌دهد. اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، موجب فراهم آمدن تجارب مثبت نسبت به تفاوت‌ها می‌شود و مدارا را بهبود می‌بخشد.

نظریه ساختاربندی گیدنز

نظریه‌ی ساختاربندی که گیدنز از طراحان و مدافعان اصلی و اولیه‌ی آن به شمار می‌رود، یک نظریه‌ی ترکیبی است. در نظریات ترکیبی دو قطبی سازی‌های رایج نفی می‌شوند و با نفی هر دو سوی قطب‌بندی، به طرحی ترکیبی می‌رسند که در آن دو طرف به سازش رسیده‌اند (علمداری، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۸). گیدنز با طرح نظریه‌ی ساختاربندی مدلی پویا از رابطه‌ی بین ساختار و عاملیت ارائه می‌دهد (توحیدفام و امیری، ۱۳۸۸: ۷۸). او در ترکیب نظریه‌ی کنش و ساختار، هدف خویش را وفاق میان ساختار و اراده و استقلال کنشگران از طریق توسعه‌ی فهمی دیالکتیکی از رابطه‌ی کارگزار و ساختار عنوان می‌کند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۳). مراد وی از این رابطه آن است که ساختارهای اجتماعی ساخته‌ی کنش کنشگرانند، در حالی که ابزار و وسیله‌ی آن نیز هستند و با آنکه وی شخص را هدف نهایی می‌داند، اما وابستگی او را به دیگران برای امکان کنش متقابل اجتماعی (کنش هدفمند) محرز می‌داند (پارکر، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

به عقیده‌ی گیدنز گونه‌ای از نظریه‌ها بر عاملیت تأکید می‌کنند و دیدگاه آنها شامل ارزش‌ها، انگیزش‌ها و باورهای شکل‌دهنده‌ی کنشگران به زندگی اجتماعی می‌باشد و

گونه‌ای دیگر به فرایندهای اجتماعی همانند پویایی‌های سازمانی و طبقاتی به منظور تبیین زندگی فردی و جمعی می‌پردازند. اما وی معتقد است برقراری رابطه‌ی متقابل بین فرد و جامعه، اساس تمامی نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌باشد و تمایز بین این دو وجه، تنها جنبه‌ی تحلیلی دارد (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۲۴۳). اساس نظریه‌ی او نه تجربه‌ی کنشگر فردی (همچون کنش متقابل نمادین) و نه وجود هر نوع جامعیت اجتماعی (همچون نظریه‌ی کارکردگرایی ساختاری) بلکه اعمال اجتماعی است که در راستای "زمان و مکان" سامان می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۰۱).

گیدنز بیان می‌کند که اگر چه مردم در انتخاب کنش‌هایشان آزاد نیستند، با این حال عاملیتی هستند که ساختار اجتماعی را باز تولید می‌کند (ساعی، ۱۳۹۰: ۶۸)؛ بنابر این به جای فرض رابطه‌ای تعاملی میان فرد (عاملیت) و جامعه (ساختار اجتماعی) پیشنهاد می‌کند که عاملیت و ساختار را صرفاً وجوه مختلف کلیه‌ی اعمال اجتماعی ببینیم. گیدنز در این راه از مفهوم دوگانگی ساختار^۱ استفاده می‌کند (سیدمن، ۱۳۹۲: ۱۹۱). دوگانگی ساختار به این معناست که ساختارهای اجتماعی هم به وسیله‌ی عاملین انسانی شکل می‌گیرند و هم واسطه‌ای برای این شکل‌گیری هستند (الیوت و ترنر، ۱۳۹۰: ۵۲۰). در واقع ساختارها را انسان‌ها ایجاد می‌کنند، اما آنها هم کنش انسانی را محدود و امکان‌پذیر می‌سازند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۲۰۲). او اعتقاد دارد که "هر بررسی تحقیقی در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش یا عاملیت را با ساختار مرتبط سازد" (گیدنز، ۱۹۸۴: ۲۱۹).

گیدنز برای کنش دو ویژگی عقلانیت و انگیزش را بر می‌شمارد. عقلانیت کنش به معنای درک مستمر زمینه‌های نظری و فکری کنشگران و بیان معیارهای کنش و انگیزش به معنای طیفی از تمایل کنشگر به انجام کنش تا شیوه‌ی عمل به کنش است. او معتقد است کنش جریانی است که همواره بر اساس عقلانیت و انگیزش بازسازی می‌شود (آزادارمکی، ۱۳۸۹: ۲۸۹).

یکی از نیروهای برانگیزاننده در ورای کنش تمایل به حفظ امنیت وجود یا حس اعتماد می‌باشد که کنشگران به آن نیاز دارند. امنیت وجودی به وضعیت ذهنی راحت و مناسبی دلالت دارد که در آن فرد به فعالیت‌های بدیهی در محیطی آشنا به همراه افرادی دیگری که تهدیدی برای او نمی‌باشند، مشغول است، در غیر این صورت فرد احساس دلهره می‌کند. این احساس امنیت ریشه در رابطه‌ی نوزاد با والدین دارد، بیشتر عاطفی است تا شناختی و زمینه‌ی آن ناخودآگاه می‌باشد. در مجموع گیدنز معتقد است امنیت وجود از

^۱ duality of structure

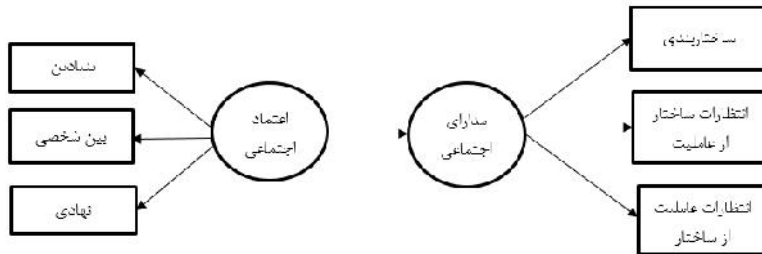
چند شیوه حاصل می‌شود که عبارتند از: رویه‌ای شدن مواجهات با دیگران، تفسیر موفقیت‌آمیز اعمال به صورت اموری عملی یا ذخیره‌ی معرفتی و نیز ظرفیت عقلانیتی که با خودآگاهی استدلالی به دست می‌آید (مقدس، ۱۳۸۳: ۲۰).

به اعتقاد گیدنز، اعتماد ابراز اطمینان نسبت به اشخاص یا نظام‌های مجرد، بر اساس نوعی جهش به ایمان است، که معمولاً مشکل نادانی یا بی‌اطلاعی را برطرف می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۳). او اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال‌ها، در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد و به پیش می‌برد (همان: ۶۳). گیدنز همچنین اعتماد را از عناصر و مؤلفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه‌ی محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۰). از دید وی، اعتماد در نظام‌های مدرنیته‌ی متأخر، اعتماد غیر شخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر «بی‌توجهی مدنی»، جنبه‌ی بنیادی روابط اعتماد بین فردی است که از ماهیت رشد یابنده‌ی نظام‌های انتزاعی ریشه گرفته است (زاهدی و اجاقلو، ۱۳۸۴: ۱۰۴). گیدنز در تعریف اعتماد می‌گوید: «اعتماد را می‌توان به‌عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا یک نظام با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف کرد؛ آنجایی که این اطمینان، صداقت یا عشق به دیگری و یا صحت اصول انتزاعی (یا دانش فنی) را بیان کند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۱). گیدنز در این تعریف هم بر سطح خرد و هم بر سطح کلان اعتماد تکیه می‌کند. در سطح فردی، اعتماد متقابل رابطه‌ی نزدیکی با صمیمیت دارد. شخص برای ایجاد اعتماد باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش قابل اعتماد باشد؛ یعنی هر کس دیگری را به رسمیت بشناسد (زاهدی و اجاقلو، ۱۳۸۴: ۱۰۵). در سطح کلان، جوامع مدرن به نظام‌های تخصصی اعتماد می‌کنند و اعتماد، کلید رابطه‌ی بین فرد و نظام‌های تخصصی است. اعتماد همان چیزی است که جوامع مدرن را یکپارچه نگه می‌دارد. اعتماد، نوعی دل به دریا زدن است و هر گاه سست شود، افراد و گروه‌های اجتماعی ناامنی را تجربه خواهند کرد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۱).

جامعه‌شناسی گیدنز دارای نتایج و کارکردهای ملموس در زندگی روزمره و مسائل شهروندان است که وی آن را تجربه‌ای رهایی‌بخش با چشم‌اندازهای جدید برای بشر عنوان

می‌دارد که به درک عمیق‌تر فرهنگی و تنوع آن مدد می‌رساند و امکانات آزادی بشر را فراهم می‌آورد (توحیدفام و امیری، ۱۳۸۸: ۹۶).

مدل نظری پژوهش



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

سؤالات و فرضیات پژوهش

- ۱- سطح اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان چقدر است؟
- ۲- سطح مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان چقدر است؟
- ۳- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (بنیادین، بین شخصی و نهادی) با مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته و واحد تحلیل در آن فرد است. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی جوانان ۱۸-۲۹ سال (۵۶۹۷۶۶ نفر^۱) ساکن در مناطق ۱۵ گانه‌ی شهر اصفهان در سال ۱۳۹۴ بودند. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۶۰۰ نفر تعیین گردید که با توجه به احتمال مخدوش بودن برخی از پرسشنامه‌ها، پاسخ‌های یکدست به سؤالات و ناتمام گذاشتن پاسخنامه،

^۱ اداره‌ی آمار و تحلیل اطلاعات شهرداری اصفهان

تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده به ۶۳۰ عدد افزایش داده شد که از این تعداد، ۵۹۸ پرسشنامه امکان تجزیه و تحلیل را دارا بود. نمونه‌گیری به تفکیک جنس، گروه‌های سنی و منطقه‌ی محل سکونت به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انجام شد. به این صورت که نسبت هر کدام به کل جمعیت محاسبه شده و همان نسبت در نمونه نیز در نظر گرفته شد و بر همین مبنا، پرسشنامه‌ها بین پاسخگویان توزیع گردید.

سؤالاتی که برای سنجش اعتماد و مدارای اجتماعی و ابعاد آنها طراحی گردید، مبتنی بر نظریه‌ی ساختاربنندی گیدنز است و تلاش شده تا تعامل ساختار و عاملیت را مد نظر قرار دهد. تعاملی که در یک بستر پویا می‌تواند درک ما را از مدارا، شرایط بروز آن و عوامل تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده‌ی آن بهبود بخشد.

پس از بررسی پایایی پرسشنامه‌ی مقدماتی بر روی یک نمونه‌ی ۶۰ نفری، به دلیل پایایی بالای متغیرها و ابعاد آن، همان پرسشنامه به‌عنوان پرسشنامه‌ی نهایی در نظر گرفته شد و پس از جمع‌آوری داده‌ها، از نرم‌افزار *SPSS* و *Amos Graphic* برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد؛ روایی پرسشنامه نیز به شیوه‌های روایی صوری و سازه مورد سنجش قرار گرفت. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، پایایی تمام ابعاد مدارای اجتماعی و اعتماد اجتماعی با ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ در حد مطلوبی قرار دارد. پایایی کل پرسش‌های مدارای اجتماعی نیز با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و اعتماد اجتماعی با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ مطلوب است.

جدول ۱: ضرایب پایایی به روش همسازی درونی (آلفای کرونباخ) $n=598$

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات		
۰/۸۴	۱۳	ساختاربنندی	مؤلفه‌های مدارای اجتماعی
۰/۷۷	۶	انتظارات عاملیت از ساختار	
۰/۶۸	۵	انتظارات ساختار از عاملیت	
۰/۸۸	۲۴	کل پرسشنامه	
۰/۷۵	۵	اعتماد بنیادین	مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی
۰/۷۱	۵	اعتماد بین شخصی	
۰/۸۷	۱۰	اعتماد نهادی	
۰/۸۵	۲۰	کل پرسشنامه	

تعریف مدارای اجتماعی و ابعاد آن

در این پژوهش، تلاش بر این بوده است که مدارای اجتماعی به‌عنوان یک کنش، در ارتباط با تعامل دو سویه ساختار و عاملیت تعریف و تبیین شود. مدارای اجتماعی عملی اختیاری و آگاهانه در بین افراد و گروه‌هایی است که ضمن آگاهی نسبت به منافع خود و جامعه، دارای دیدگاه‌ها و روش‌های زندگی متفاوتی بوده و در یک اجتماع واحد همزیستی و همسازی دارند. مدارا در فرایند بازاندیشانه عاملیت با ساختار تولید و بازتولید می‌شود. مدارای اجتماعی، جنبه‌ی ساختاری و عاملیتی دارد و هر چه هماهنگی این دو بیشتر باشد، ساختاربندی قوی‌تر است. بر این اساس، ترکیبی از توانایی خلاقانه (به نفع فرد) و توانایی عقلانی (به نفع جامعه) را با خود به همراه دارد.

جهت سنجش مدارای اجتماعی و به‌عبارتی عملیاتی کردن آن، ابعاد زیر در نظر گرفته شد: ۱- رابطه‌ی بازاندیشانه‌ی ساختار و عاملیت (ساختاربندی)، ۲- انتظارات عاملیت از ساختار و ۳- انتظارات ساختار از عاملیت که در زیر، هر کدام از این ابعاد بصورت مختصر تعریف شده است.

رابطه‌ی بازاندیشانه‌ی ساختار و عاملیت (ساختاربندی): مراد از رابطه‌ی بازاندیشانه‌ی ساختار و عاملیت در این تحقیق، رابطه‌ای است که عاملیت و ساختار، هر کدام هویت‌های مستقل خود را دارند، ولی بدون هم نیز نمی‌توانند باشند. اگر انتظار داشته باشیم مدارای اجتماعی صورت گیرد، عاملیت و ساختار باید با یکدیگر ساخت و ساز داشته باشند. این بعد از مدارا، شامل ۱۴ گویه و در قالب طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. برای عملیاتی کردن این بعد، موضوعاتی از جمله امکان ارتباط با افرادی از ادیان دیگر، امکان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، شیوه‌ی مدیریت تعارض و تضاد بین زن و مرد، گروه‌های قومی، امکان نقد و اظهار نظر، امکان همزیستی عقاید و دیدگاه‌های متفاوت، درخواست خدمات از سازمان‌ها و ارگان‌ها و ... مورد پرسش قرار گرفته است.

انتظارات ساختار از عاملیت: گیدنز معتقد است ساختار و عاملیت را می‌توان به لحاظ تحلیلی تمیز داد، اما در زندگی اجتماعی در هم بافته می‌شوند (ساعی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). ساختارهای اجتماعی خارج از کنش انسانی دارای هیچ‌گونه پایداری ذاتی نیستند، به دلیل آنکه این ساختارها برساخته‌ی اجتماعی هستند. جهت سنجش عملیاتی این متغیر موضوعاتی از قبیل اهمیت قانون نسبت به سلیقه‌های شخصی، استفاده از خشونت در برابر اختلاف عقاید، دوام جامعه در مقابل نظرات مختلف، محدودیت انتشار دیدگاه‌های مختلف و یکسان اجرا شدن قوانین برای همه در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

انتظارات عاملیت از ساختار: عاملان نیز می‌توانند خارج از محدودیت‌هایی که ساختار برای آن‌ها تعیین کرده‌است، به شیوه‌ای خلاقانه از طریق کنش ساختارهای اجتماعی را تعدیل و اصلاح کنند. عاملیت با توانایی خلاقانه تعریف می‌شود. اگر این حرکت و تغییر با محدودیت ساختار همسازی پیدا کنند، انتظارات عاملیت و ساختار از سوی یکدیگر درک و به رسمیت شناخته شده و امکان بروز رفتارهای مداراجویانه فراهم می‌شود. انتظارات عاملیت از ساختار در ۶ گویه و در قالب طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. برای عملیاتی کردن این بعد از مدارا موضوعاتی از قبیل امکان انتقاد اقلیت از اکثریت، سازش با افراد منتقد، اهمیت به نظر مردم در تصمیم‌گیری‌ها، جدا بودن معیار استخدام از اعتقادات و گرایش‌های فرد، وجود روزنامه‌ها و مجلات با گرایش‌های متفاوت و اولویت توانمندی نسبت به رابطه با افراد با نفوذ مورد پرسش قرار گرفت.

تعریف اعتماد اجتماعی و ابعاد آن

گیدنز سه گونه اعتماد را مطرح می‌کند: اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی.

۱- *اعتماد بنیادین:* نگرشی است نسبت به خود و دنیای اطراف که رفتار و اعمال ما از آن متأثر می‌شود و موجب تقویت تفکری می‌گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند و بر تداوم و ثبات آن صحنه می‌گذارد اعتماد بنیادین اضطراب را کاهش و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها را در فرد به وجود می‌آورد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۰). این بعد از اعتماد، شامل ۵ گویه و در قالب طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. برای عملیاتی کردن این بعد از اعتماد اجتماعی، سؤالاتی از قبیل قابل پیش‌بینی بودن مسیر آینده، پایداری و ثبات امور دنیا، امکان برنامه‌ریزی برای آینده، امکان پیش‌بینی برای آینده و اطلاع از فعالیت‌های آتی مورد پرسش قرار گرفت.

۲- *اعتماد بین شخصی:* اعتماد بین شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و بسیاری از تعاملات روزانه را موجب می‌شود. در دوران مدرن روابط شخصی که بیشتر به صورت رابطه‌ی ناب در می‌آید، وابسته به اعتماد متقابل است که آن را باید به وجود آورد و اعتماد طرف مقابل را جلب کرد (همان: ۱۴۳-۱۳۶). این بعد از اعتماد، شامل ۵ گویه و در قالب طیف لیکرت اعتماد به اعضای خانواده، دوستان، همسایه‌ها و فامیل مورد پرسش قرار گرفت.

۳- اعتماد نهادی: گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد. مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی ما ناگزیر از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیت جهانی شده باشد، هستیم (همان: ۳۴). این بعد از اعتماد، شامل ۱۰ گویه و در قالب طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. برای سنجش اعتماد نهادی، اعتماد پاسخگویان به کارکرد صحیح بانک‌ها، نظام قضایی، برنامه‌های آموزش و پرورش، شهرداری، قوانین راهنمایی و رانندگی، نیروی انتظامی، دولت و مجلس مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

۱- یافته‌های توصیفی

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل

جنس	وضعیت تأهل	
	متأهل	مجرد
زن	فراوانی	۲۰۵
	درصد	۳۴/۲۸
مرد	فراوانی	۲۱۳
	درصد	۳۵/۶۱
جمع	فراوانی	۴۱۸
	درصد	۶۹/۸۹

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات و وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	تحصیلات						
	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	حوزوی
شاغل	فراوانی	۱۹	۱۲۹	۴۱	۹۴	۱۶	۳
	درصد	۳/۱۷	۲۱/۵۷	۶/۸۵	۱۵/۷۱	۲/۶۷	۰/۵۰
غیر شاغل	فراوانی	۳۵	۱۲۷	۴۷	۶۸	۱۳	۳
	درصد	۵/۸۵	۲۱/۲۳	۷/۸۵	۱۱/۳۷	۲/۱۷	۰/۳۳
جمع	فراوانی	۵۴	۲۵۶	۸۸	۱۶۲	۲۹	۶
	درصد	۹/۰۳	۴۲/۸۰	۱۴/۷۱	۲۷/۰۹	۴/۸۴	۱/۰۰

۲- یافته‌های استنباطی

سؤال ۱: سطح اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله‌ی شهر اصفهان چقدر است؟
جهت پاسخگویی به سؤال بالا از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴: برآورد آزمون تی تک نمونه‌ای جهت بررسی میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن

آمار استنباطی			آمار توصیفی		متغیر
Test Value: ۳			انحراف معیار	میانگین	
سطح معناداری	درجه‌ی آزادی*	آماره‌ی t	تفاوت میانگین	انحراف معیار	میانگین
۰/۰۰۱	۵۸۲	۲۵/۰۳	۰/۶۷	۰/۶۵	۳/۶۷
۰/۰۰۱		۳۲/۹۶	۰/۸۶	۰/۶۳	۳/۸۶
۰/۰۰۱		۱۳/۱۵	۰/۴۰	۰/۷۴	۳/۴۰
۰/۰۰۱		۲۷/۹۰	۰/۵۸	۰/۵۱	۳/۵۸

* اختلاف درجه‌ی آزادی با حجم نمونه ناشی از حذف موارد پرت است.

مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در نمونه‌ی آماری پژوهش دارای تفاوت معنادار با میانگین فرضی (۳) است ($Sig = ۰/۰۵$). پس در پاسخ به سؤال میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن می‌توان گفت که میانگین متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن به طور معناداری بالاتر از حد متوسط قرار دارد.

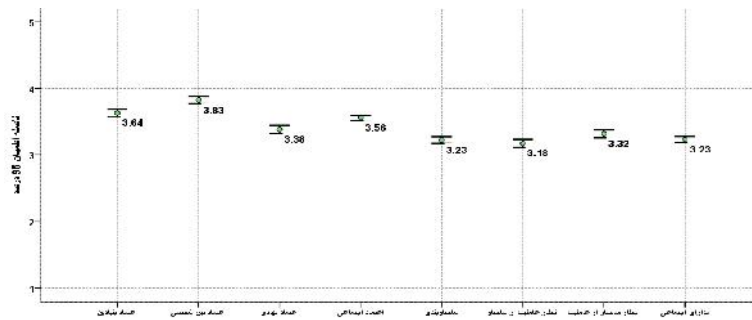
سؤال ۲: سطح مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان چقدر است؟
جهت پاسخگویی به سؤال بالا از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۵: برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای جهت بررسی میزان مدارای اجتماعی و ابعاد آن

آمار استنباطی			آمار توصیفی		متغیر
Test Value: ۳			انحراف	میانگین	
سطح معناداری	درجه‌ی آزادی*	آماره‌ی t	تفاوت میانگین	انحراف	میانگین
۰/۰۰۱	۵۵۴	۱۱/۵۵	۰/۲۷	۰/۵۵	۳/۲۷
۰/۰۰۱		۸/۳۱	۰/۲۳	۰/۶۵	۳/۲۳
۰/۰۰۱		۱۴/۴۰	۰/۳۹	۰/۶۴	۳/۳۹
۰/۰۰۱		۱۴/۲۸	۰/۲۹	۰/۴۷	۳/۲۹

* اختلاف درجه‌ی آزادی با حجم نمونه ناشی از حذف موارد پرت است.

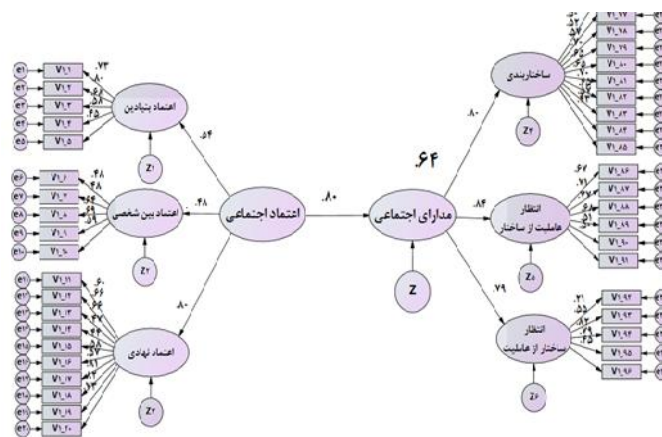
مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین متغیر مدارای اجتماعی و ابعاد آن در نمونه‌ی آماری پژوهش دارای تفاوت معنادار با میانگین فرضی (۳) است ($Sig = ۰/۰۵$). پس در پاسخ به سؤال میزان مدارای اجتماعی و ابعاد آن می‌توان گفت که میانگین متغیر مدارای اجتماعی و ابعاد آن به طور معناداری بالاتر از حد متوسط قرار دارد.



نمودار ۱: فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد برآورد میانگین متغیرهای اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی و ابعاد آن‌ها

فرضیه‌ی ۱: به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (بنیادین، بین شخصی و نهادی) و مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه از رویکرد مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری استفاده گردید، متغیرهای مستقل و وابسته‌ی پژوهش به صورت متغیرهای پنهان و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه‌ی دوم وارد مدل ساختاری شدند. برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله‌ی ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر مستقل بر مدارای اجتماعی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است.



شکل ۲: مدل معادله‌ی ساختاری اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر متغیر مدارای اجتماعی

جدول ۶: برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله‌ی ساختاری

هلاتر	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۶۶	۰/۰۶	۳/۲۶	۷۷۲	۰/۷۳	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۰	۲۵۱۸/۲۲	مقدار

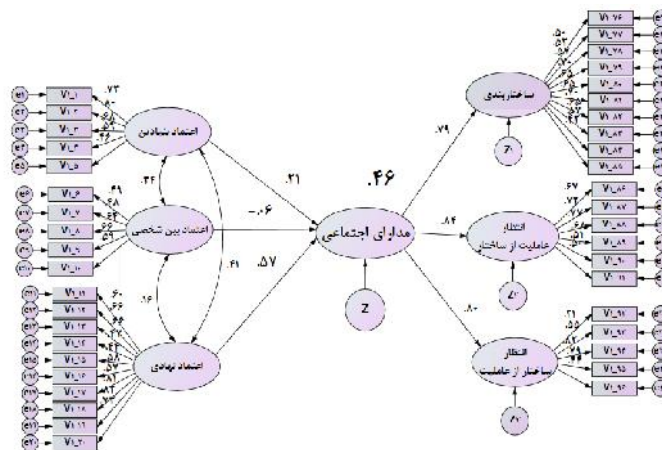
شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله‌ی ساختاری با توجه به دامنه‌ی مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله‌ی ساختاری دارند.

جدول ۷: برآورد اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر متغیر مدارای اجتماعی

P.Value	نسبت بحرانی	برآورد		ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
		استاندارد	غیر استاندارد				
۰/۰۰۱	۶/۴۰	۰/۸۰	۱/۰۴	۰/۶۴	مدارای اجتماعی	<---	اعتماد اجتماعی

مقادیر برآورد شده در جدول ۷ بیانگر این است که متغیر اعتماد اجتماعی در مجموع ۶۴ درصد از واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند، با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیر اعتماد اجتماعی در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر مدارای اجتماعی را دارد. همچنین اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مدارای اجتماعی به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/05$). با مدنظر قرار دادن ضریب تأثیر متغیر اعتماد اجتماعی بر مدارای اجتماعی می‌توان گفت این اثر مستقیم و بالا است، به این معنا که افزایش اعتماد اجتماعی در حد بالایی می‌تواند منجر به افزایش مدارای اجتماعی و برعکس کاهش اعتماد اجتماعی منجر به کاهش مدارای اجتماعی در جامعه‌ی آماری پژوهش گردد.

اثر ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی (اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) بر متغیر مدارای اجتماعی نیز با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری بررسی و برآوردهای مربوط به آن در زیر گزارش شده است.



شکل ۳: مدل معادله‌ی ساختاری اثر ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی بر مدارای اجتماعی

جدول ۸: برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله‌ی ساختاری

هلتز	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۶۷	۰/۰۷	۳/۳۴	۷۷۰	۰/۷۲	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۰	۲۴۹۵/۷۸	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله‌ی ساختاری با توجه به دامنه‌ی مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله‌ی ساختاری دارند.

جدول ۹: برآورد اثر ابعاد اعتماد اجتماعی بر متغیر مدارای اجتماعی

P.Value	نسبت بحرانی	برآورد		ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
		استاندارد	غیر استاندارد				
۰/۰۰۱	۳/۴۸	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۴۶	مدارای اجتماعی	<---	اعتماد بنیادین
۰/۲۹۱	-۱/۱۰	-۰/۰۶	-۰/۰۵			<---	اعتماد بین شخصی
۰/۰۰۱	۷/۵۴	۰/۵۷	۰/۳۲			<---	اعتماد نهادی

مقادیر برآورد شده در جدول ۹ نشان می‌دهد که ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی در مجموع ۴۶ درصد از واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کنند که با مد نظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین، این مقدار در حد بزرگ برآورد می‌شود. به عبارت دیگر ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر مدارای اجتماعی را دارند؛ همچنین اثر ابعاد اعتماد بنیادین و اعتماد نهادی بر متغیر مدارای اجتماعی به لحاظ آماری معنادار است ($p < ۰/۰۵$). با توجه به مقادیر ضریب تأثیر مربوط به این ابعاد می‌توان گفت این اثر مستقیم و در حد بالا برآورد می‌شود، به این معنا که با افزایش اعتماد بنیادین و اعتماد نهادی انتظار می‌رود مدارای اجتماعی در حد بالایی افزایش یابد و برعکس با کاهش این ابعاد، مدارای اجتماعی نیز کاهش یابد. اثر بعد اعتماد بین شخصی بر مدارای اجتماعی به لحاظ آماری معنادار نیست ($p > ۰/۰۵$). به عبارت دیگر مقدار اثر ضعیف و نزدیک به صفر این بعد از اعتماد اجتماعی بر متغیر مدارای اجتماعی در نمونه‌ی آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه‌ی آماری پژوهش را ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه‌ی حاضر، تبیین جامعه‌شناختی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی بر مبنای نظریه‌ی ساختاربندی گیدنز بود. آنچه تا کنون برای بررسی و تبیین مدارای اجتماعی انجام شده، مدارا را بصورت سازه‌ای فردی و یک‌سویه در نظر گرفته و نگرش و میزان تابعیت و تحمل افراد را نسبت به دیگران و ساختارهای کلان مورد بررسی قرار می‌دهد. در این تحقیقات افراد بصورت منفعلانه نگرش و طرز رفتار خود نسبت به گوناگونی و تفاوت‌های فردی را در زمینه‌های مختلف بیان می‌کنند. در این تحقیق تلاش شد ضمن ارائه‌ی تعریفی ساختاربندی شده از مدارا و تعامل ساختار و عاملیت در بستر ساختاربندی، رابطه‌ی اعتماد و مدارای اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین متغیرهای اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی و ابعاد آن‌ها به طور معناداری بالاتر از حد متوسط قرار دارد. متغیر اعتماد اجتماعی در مجموع ۶۴ درصد از واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر متغیر اعتماد اجتماعی در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر مدارای اجتماعی را دارد؛ همچنین اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مدارای اجتماعی به لحاظ آماری معنادار است. با مدنظر قرار دادن ضریب تأثیر متغیر اعتماد اجتماعی بر مدارای اجتماعی می‌توان گفت این اثر مستقیم و بالا است، به این معنا که افزایش اعتماد اجتماعی در حد بالایی می‌تواند منجر به افزایش مدارای اجتماعی و برعکس کاهش اعتماد اجتماعی منجر به کاهش مدارای اجتماعی در جامعه‌ی آماری پژوهش گردد.

ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی نیز در مجموع ۴۶ درصد از واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کنند. اثر ابعاد اعتماد بنیادین و اعتماد نهادی بر متغیر مدارای اجتماعی به لحاظ آماری معنادار است. به این معنا که با افزایش اعتماد بنیادین و اعتماد نهادی انتظار می‌رود مدارای اجتماعی در حد بالایی افزایش یابد و برعکس با کاهش این ابعاد، مدارای اجتماعی نیز کاهش یابد. اثر بعد اعتماد بین شخصی بر مدارای اجتماعی به لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارت دیگر مقدار اثر ضعیف و نزدیک به صفر این بعد از اعتماد اجتماعی بر متغیر مدارای اجتماعی در نمونه‌ی آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه‌ی آماری پژوهش را ندارد.

همراستا با تحقیق حاضر، نتایج پژوهش‌های شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، مقتدایی (۱۳۸۹)، آقابخشی و همکاران (۱۳۹۰)، ولش (۲۰۰۱) و ویدمالم (۲۰۰۵)، نیز حاکی از

این بود که رابطه‌ی اعتماد با مدارای اجتماعی مثبت و معنی‌دار است. برخلاف یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر عدم رابطه‌ی معنی‌دار اعتماد بین شخصی و مدارای اجتماعی، نتایج تحقیق شریفی (۱۳۹۲)، نشان می‌دهد که اعتماد نهادی و اعتماد بین شخصی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با مدارای اجتماعی دارند.

فهرست منابع:

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ ششم، انتشارات سروش.
- آقایخشی، حبیب‌اله؛ فریدون، کامران و نصیرپور، مجید (۱۳۹۰). "شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب"، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۰.
- ادیبی‌سده، مهدی؛ رستگار، یاسر و بهشتی، سید صمد (۱۳۹۱). "مدارای اجتماعی و ابعاد آن"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۵۰.
- الیوت، آنتونی و ترنر، برایان (۱۳۹۰). برداشت‌هایی در نظریه‌ی اجتماعی معاصر، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۵). اعتماد اجتماعی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی علوم انسانی و روانشناسی.
- بهشتی، سید صمد و رستگار، یاسر (۱۳۹۲). "تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی"، مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره‌ی ۲.
- پارکر، جان (۱۳۸۸). ساخت‌یابی، ترجمه‌ی حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- ترکارانی، مجتبی (۱۳۸۹). "بررسی وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان"، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، سال اول، شماره‌ی ۳.
- توحیدفام، محمد و حسینیان امیری، مرضیه (۱۳۸۸). "تلفیق کنش و ساختار در اندیشه‌ی گیدنز، بوردیو و هابرماس و تأثیر آن بر جامعه‌شناسی جدید"، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال چهارم، شماره‌ی ۳.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۴). موج چهارم، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳). "تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲.
- حسین‌زاده، علی‌حسین؛ زالی‌زاده، مسعود و زالی‌زاده، محسن (۱۳۹۳). "بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره‌ی پیاپی (۶۰). شماره‌ی ۴.
- دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۳). پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). مبانی نظریه‌ی جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر ثالث.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، پژوهشنامه‌ی اعتماد اجتماعی، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره‌ی ۱۶.
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۰). آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس زمان محور، تهران: نشر دانژه.
- سراج‌زاده، حسین؛ شریعتی، سارا و صابر، سیروس (۱۳۸۳). "بررسی رابطه‌ی میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی"، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۲). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شارع‌پور، محمود و عسکری، علی (۱۳۸۸). "گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی"، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۸.
- شارع‌پور، محمود؛ آزاد ارمکی، تقی و عسکری، علی (۱۳۸۸). "بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی دهم شماره‌ی ۱.
- شریفی، سمیرا (۱۳۹۲). سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵). روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرا اثبات‌گرایی)، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ.
- علی‌زاده، محمدجواد (۱۳۸۸). مطالعه‌ی مدارای اجتماعی و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی فرهنگی در بین افراد ۵۰-۱۵ ساله‌ی شهر همدان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- غفاری، غلامرضا و نوایی، میثم (۱۳۸۸). "تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در کاشان"، دانشنامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲.

- کیویستو، پیتر (۱۳۸۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- گلایی، فاطمه و رضایی، اکرم (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان"، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۱.
- گلایی، فاطمه؛ حاجیلو، فتانه و امین‌پور، فرشته (۱۳۹۱). زبان، هویت و مدارای اجتماعی، سلسله مقالات همایش دو زبانگی (چالش‌ها و راهکارها)، اراک، دانشگاه پیام نور شازند.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیت، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه‌ی محمدرضا جلالی‌پور، تهران: نشر نو.
- مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه‌ی امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان.
- مقدس، علی‌اصغر و قدرتی، حسین (۱۳۸۳). "نظریه‌ی ساختاری شدن آنتونی گیدنز و مبانی روش‌شناختی آن"، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- ویلیامز، برنارد (۱۳۷۷). "آیا مدارا فضیلتی محال است؟"، مجله‌ی کیان، شماره‌ی ۴۵.
- ویلیامز، برنارد (۱۳۸۳). "تساهل: آیا فضیلتی غیر ممکن است؟"، در مجموعه مقالات تساهل، گردآورنده: دیوید هید، ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

Dusche, M. (2002). "Liberal tolerance between people(s)", Paper presented at the International, Intercultural and Interdisciplinary Conference on "Tolerance in the Context of Interculturality and Globalisation", Department of German and Russian, University of Mumbai, India

Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*, Cambridge: Polity press.

King, P. (1976). *Toleration*, London: Geore Allen & Unwin.

Lee, F. (2013). "Tolerated One Way but Not the Other": Levels and Determinants of Social and Political Tolerance in Hong Kong. Published online on Springer.

McKinnon, C. & Castiglione, D. (2003). Introduction: reasonable tolerance, In: *The Culture of Toleration in Diverse Societies*, McKinnon c. and Castiglione, D. (ed.) UK: Manchester University Press.

Oberdiek, H. (2001). *Tolerance: Between forbearance and acceptance*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.

Peffley M and Rohrschneider R (2003). "Democratization and political tolerance in seventeen countries: A multilevel model of democratic learning", *Political Research Quarterly*. No. 56(3): 243–257.

Robinson, J., Witenberg, R. T., & Sanson, A. (2001). "The socialization of tolerance", In M. Augoustinos & K. J. Reynolds (Eds.), *Understanding prejudice, racism, and social conflict* (pp. 73–88). Guildford, Surrey: Biddles.

Sullivan JL and Transue JE (1999). "The psychological underpinnings of democracy: A selective review of research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital", *Annual Review of Psychology*, No. 50: 625–650.

Van der Noll J., Poppe, E. and Verkuyten, M. (2010). "Political tolerance and prejudice: Differential reactions toward Muslims in the Netherlands", *Basic and Applied Social Psychology*. No. 32(1): 46–56.

Van Doorn, M. (2014). "The nature of tolerance and the social circumstances in which it emerges", *Current Sociology review*. Vol 62(6): 905-927.

Verkuyten M. (2007). "Tolerance of Muslim beliefs and practices: Age related differences and context effects", *International Journal of Behavioral Development*, No. 31(5): 467–477.

Vogt, W. Paul (1997). *Tolerance and Education: Learning to Live with Diversity and Difference*. London: sage.

Welch, M. et al. (2001). "Determinants and Consequences of Social Trust". Department of Sociology, University of Notre Dame, Notre Dame, Indiana. The definitive version is available online at <http://www.blackwell-synergy.com/toc/soin/75/4>.

Widmalm, S. (2005). "Trust and Tolerance in India: Findings from Madhya Pradesh and Kerala", *India Review*, vol.4, No .3

Witenberg, R. T. & Butrus, N. (2013). "Some Personality Predictors of Tolerance to Human Diversity: The Roles of Openness, Agreeableness, and Empathy", *Journal of Australian Psychological Society*, No. 65, p 220-235.